

الگوی مطلوب بیمه برای پوشش ریسک‌های صنایع بالادستی نفت و گاز مبتنی بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

محمد ذاکری نیا^۱ و مسعود فضلی^۲

چکیده

صنایع بالادستی نفت و گاز به دلیل قابل اشتعال بودن و صرف هزینه‌های بالا همیشه با ریسک‌های زیادی همراه هستند. چگونگی کاهش ریسک و مخاطرات طبیعی صنایع بالادست، از جمله دغدغه‌های اصلی سرمایه‌گذاران این حوزه است. بیمه یکی از پاسخ‌های همیشگی به این درخواست‌ها است که لازمه استفاده از آن دسته‌بندی، شناخت و اشراف بر انواع ریسک‌ها و مخاطرات حوزه مورد بحث است. به همین منظور لازم است در ابتدای امر، انواع ریسک‌های مرتبط با بخش بالادستی صنعت نفت و گاز شناسایی و ارزیابی گردد. سپس با بررسی مدل‌های مرسوم بیمه در دنیا و با توجه به ملاحظات تحریمی کشور، به الگوی بیمه‌ای مناسب جهت پوشش ریسک این حوزه پرداخته شود. در این راستا، در پژوهش حاضر، نخست به بررسی گونه‌های مختلف ریسک مرتبط با بخش بالادستی نفت و گاز پرداخته شده و به موازات چالش‌های مرتبط با صنعت، امکان‌سنجی استفاده از انواع مدل‌های مرسوم بیمه در دنیا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از رهگذر این نگاه مشخص شد که از میان مدل‌های مختلف بیمه، مدل شرکت بیمه وابسته با توجه به ملاحظات تحریم و اقتضائات خاص ایران مطلوب‌ترین گزینه است که می‌تواند پاسخی مناسب برای کاهش ریسک‌های این صنعت باشد.

واژگان کلیدی: اقتصاد انرژی، ریسک، صنایع بالادستی نفت و گاز، بیمه نفت و گاز، اقتصاد مقاومتی.

مقدمه

امروزه انرژی نقش به‌سزایی در توسعه انسانی، اقتصادی و رفاه جوامع دارد. انرژی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تولید و همچنین به‌عنوان یکی از کالاها و خدمات موردنیاز در مصرف نهایی، خصوصاً از منظر اقتصادی دارای اثرات قابل‌توجهی است. در ایران، انرژی نقش ویژه‌ای در روابط سیاسی،

اقتصادی، رشد و توسعه، رفاه اجتماعی و به‌طورکلی بهبود کیفیت زندگی و امنیت دارد. از طرفی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توجه ویژه‌ای به بخش انرژی کشور و به‌طور مخصوص عرصه نفت و گاز شده است. این امر در بندهای مختلف آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نمود دارد. بندهای ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، اقتصاد بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

mohammadz77@isu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، معارف اسلامی و اقتصاد، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

m.fazli@isu.ac.ir

موضوع نفت و گاز اشاره دارد که از جنبه‌های مختلف به این موضوع پرداخته است.

تحقق بند سیزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مستلزم شناسایی ریسک‌های صنایع نفت و گاز به‌منظور ارائه راهکار مناسب بیمه جهت پوشش این ریسک‌ها است. در صورت بهبود شرایط شرکت‌های بیمه داخلی، سرمایه‌گذاران این حوزه با تضمین‌های مناسبی مواجه می‌شوند؛ که منجر به کاهش نوسان‌های درآمدی در بخش نفت و گاز خواهد شد. آشنایی با انواع ریسک موجود در توسعه میادین نفت و گاز کمک بسیار مؤثری برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌هایی است که تمایل به حضور در این عرصه را دارند. دلیل عمده‌ی ناموفق بودن بسیاری از شرکت‌های سرمایه‌گذار در توسعه‌ی میادین، عدم آشنایی و درک صحیح از انواع ریسک‌های مرتبط و میزان اهمیت آن‌ها است. تاکنون برای این موضوع پژوهش منسجمی صورت نپذیرفته است و غالب تحقیقات به صورت موردی و پراکنده بوده‌اند (فروشان، 1393).

پس از گذشت سال‌های متمادی از اکتشاف نفت در کشورمان و باوجود ریسک‌های متنوع و فراوان، هنوز این صنعت فاقد مدیریت ریسک صحیح و به‌روز است و کماکان به‌صورت سنتی اداره می‌شود. از آنجاکه وقوع حوادث در صنایع مزبور، موجب ایجاد آسیب و خسارت به تولید، نیروی انسانی، مواد شیمیایی، تجهیزات و در نتیجه از بین رفتن بخش بزرگی از سرمایه‌های ملی می‌گردد، شناسایی ریسک‌ها و ارزیابی آن‌ها، اولین گام در توسعه پایدار این بخش متناسب با سند بالادستی اقتصاد مقاومتی خواهد بود. از سویی

دیگر برای پوشش ریسک صنایع نفت و گاز مانند هر صنعت دیگری، بیمه به‌عنوان یک ابزار ضروری، نقش مهمی در انتقال ریسک بر عهده دارد (قاسمی، 1394). در حقیقت ارزیابی ریسک، امکان حضور مؤثرتر شرکت‌های بیمه داخلی را در این حوزه فراهم می‌کند. به‌طورکلی و با توجه به مطالب ذکر شده، در پژوهش حاضر ابتدا به دنبال احصاء اهم ریسک‌های مختلف صنایع بالادستی نفت و گاز پرداخته و سپس چالش‌های موجود برای رسیدن به بیمه‌ی متناسب با شرایط کشور مورد بحث قرار خواهد گرفت. درنهایت به عنوان خروجی این پژوهش، با بررسی انواع ساختارهای مرسوم بیمه در دنیا، به ارائه بیمه‌ی متناسب با ملاحظات کشور با اهتمام به بند سیزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و در راستای تسهیل فرایندهای افزایش صادرات محصولات نفتی و گازی مبادرت خواهد شد.

۱- پیشینه پژوهش

درخشان (1389) در مقاله «توسعه پوشش‌های بیمه‌ای در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی» بعد از مروری کوتاه بر ماهیت و گستردگی ریسک‌های موجود در بخش‌های مختلف صنایع نفت و گاز و پتروشیمی مشتمل بر اکتشاف، تولید و توسعه میادین نفت و گاز، انتقال از طریق خطوط لوله و حمل‌ونقل دریایی، جاده‌ای، ریلی، ذخیره‌سازی، پالایش و توزیع فرآورده‌ها پرداخته و به راهکارهای توسعه پوشش‌های بیمه‌ای در این صنایع اشاره می‌کند.

منظور و نیاکان (1391) در مقاله «مدیریت ریسک در صنعت نفت و گاز کشور؛ ضرورت‌ها و ابزارها» به

تخصصی (فنی) و ناتوانی شرکت‌های بیمه و تحقیقات و آموزش بر رشد بیمه‌های انرژی بررسی شده است. این تحقیق از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش توصیفی و مبتنی بر داده بوده است.

سیفلو (۱۳۹۵) در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «امکان‌سنجی اقتصادی انتشار اوراق بهادار بیمه‌ای بر روی ریسک‌های پروژه‌های بالادستی صنایع نفت و گاز بر اساس مبانی فقهی» باهدف ایجاد زمینه لازم برای استفاده از اوراق بهادار بیمه‌ای به‌عنوان ابزارهای نوین مالی-بیمه‌ای بر روی ریسک‌های انرژی، ضمن بررسی ادبیات موضوع اوراق بهادار بیمه‌ای و مدیریت ریسک، امکان‌سنجی انتشار اوراق بهادار بیمه‌ای بر روی ریسک‌های بخش بالادستی در دو بخش مورد مطالعه قرار داده است.

عسکری و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و اولویت‌بندی ریسک‌های پروژه‌های بالادستی نفت و گاز در ایران با استفاده از قالب ساختار شکست ریسک (RBS) تکنیک تاپسیس (TOPSIS)» با استفاده از قالب ساختار شکست ریسک مبتنی بر راهنمای پیکره دانش مدیریت پروژه (PMBOK) و با استفاده از طبقه‌بندی و تفکیک PEST ریسک‌های بالادستی نفت و گاز با روش کتابخانه‌های و توصیفی شناسایی و طبقه‌بندی کرده‌اند. بر این اساس ۶۰ ریسک شناسایی و در ۴ دسته طبقه‌بندی شده است که در مرحله بعد با استفاده از تکنیک تاپسیس اولویت‌بندی شده‌اند.

ملکی‌نژاد (۱۳۹۶) در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «امکان‌سنجی فقهی و اقتصادی پوشش ریسک‌های

معرفی انواع ابزارهای مشتقه مالی و شیوه‌های مدیریت ریسک قیمت در صنعت نفت و گاز طبیعی با استفاده از ابزارهای مشتقه می‌پردازند. نگارندگان ضمن بررسی پیش‌نیازها و الزامات توسعه ابزارهای مشتقه در صنعت انرژی، نوسانات شدید در قیمت انرژی و ریسک قیمتی را عامل اساسی ریسک در بازارهای نفت و گاز طبیعی عنوان می‌کنند که بیشتر از سایر عوامل موجود عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان را تهدید می‌کند.

ساکی‌زاده (۱۳۹۲) در مقاله «لزوم تعامل مؤثرتر بیمه با صنعت نفت و گاز» از طریق تجزیه و تحلیل منابع و امکانات و همچنین مشکلات پیش رو در صنعت نفت و گاز و بیمه و عدم تناسب آن‌ها با یکدیگر در کشورمان، به علل این معضل پرداخته است. این پژوهش بیان می‌کند که صنعت نفت و گاز با ریسک‌های زیادی مواجه است که پوشش کامل بیمه‌ای این صنعت نیازمند همت و هماهنگی ویژه‌ای بین شرکت‌های بیمه و شرکت ملی نفت ایران است.

ابطحی‌فروشان و نیکبختی (۱۳۹۳) در مقاله خود با عنوان «طبقه‌بندی انواع ریسک‌ها در توسعه‌ی میدین نفت و گاز» به بررسی و طبقه‌بندی انواع ریسک‌های مراحل مختلف توسعه‌ی میدین نفت و گاز ذیل پنج دسته کلی اقدام کرده‌اند.

شامی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی موانع رشد بیمه‌های انرژی در صنعت بیمه کشور و پیشنهاد راهکارهای مناسب» به بررسی موانع رشد پرتفوی بیمه‌های انرژی (نفت، گاز و پتروشیمی) در صنعت بیمه کشور و پیشنهاد راهکارهای مناسب پرداخته‌اند. بدین منظور تأثیر موانع اقتصادی، شناختی و

پوششی بخش انرژی از سوی دیگر، باعث می‌شود بیمه‌گران توفیق اندکی در ارائه پوشش‌های متناسب با نیازهای بیمه‌گذاران این بخش داشته باشند (ملکی‌نژاد، 1396). ریسک‌های انرژی و بالأخص صنایع نفت و گاز از دیدگاه بیمه‌گران جزء ریسک‌های پرخطر محسوب می‌شوند که قبل از شروع عملیات اکتشافی آغاز و تا پس از تحویل محصول به مصرف‌کنندگان نهایی ادامه می‌یابند.

به‌رغم اینکه اکثر متخصصان کسب‌وکار بخش بالادستی نفت و گاز معتقدند، یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های پروژه‌های بالادستی نفت و گاز پر ریسک بودن این پروژه‌هاست، جای خالی تحقیقی منسجم که ریسک‌های بالادستی را شناسایی، دسته‌بندی و اولویت‌بندی نموده باشد در فضای پژوهشی کشور احساس می‌شود. در این زمینه حتی بانک اطلاعاتی ریسک مربوط به پروژه‌های بالادستی نیز در کشور دسترس نیست. البته این احتمال به‌صورت قوی مطرح است که شرکت‌های بزرگ نفتی مطمئناً این روش‌ها و بانک‌های اطلاعاتی را به‌عنوان دانش فنی نزد خود محفوظ نگاه داشته‌اند. از این رو لازم است نسبت به شناسایی و طبقه‌بندی ریسک‌های این بخش حساس و مهم از اقتصاد اقدام نمود. (سیفلو، 1395) به همین جهت، در این پژوهش به‌صورت منسجم مهم‌ترین ریسک‌های بخش بالادستی نفت و گاز، شناسایی و طبقه‌بندی می‌شود. به‌طورکلی یکی از انواع تقسیم‌بندی‌های ریسک‌های موجود به‌صورت ریسک‌های محیطی و داخلی شناخته‌شده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

عملیاتی مربوط به میدین و چاه‌های نفت و گاز و ارائه ساختار مناسب بیمه‌ای « در وهله اول به امکان‌سنجی اقتصادی سودآوری بیمه‌های مرتبط با چاه‌های نفت و گاز می‌پردازد که از طریق شاخص‌های ضریب خسارت و حاشیه سود با سناریوسازی به روش اقتصاد مهندسی انجام پذیرفت. در وهله دوم نگارنده به روش توصیفی- کاربردی به امکان‌سنجی عملیاتی پوشش ریسک‌های مرتبط با چاه‌های نفت و گاز پرداخته است.

۲- انواع ریسک‌های مرتبط با بخش بالادستی نفت و گاز

ریسک‌های طبیعی و نحوه مدیریت آن یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های بنگاه‌های تولیدی و صنایع مختلف است. مدیریت ریسک یک روش منطقی و سامان‌مند برای تحلیل، ارزیابی و شیوه‌ی برخورد با مخاطرات مربوط به هر نوع فعالیت است، که سازمان‌ها را قادر می‌سازد تا ضمن بهره‌گیری از مزایای فرصت‌ها، خسارت را به حداقل برسانند. بزرگ‌ترین فایده‌ای که مدیریت ریسک برای یک شرکت دارد این است که به‌طورکلی وقوع حوادث قابل اجتناب و هزینه‌های مربوط را پایین می‌آورد و از این طریق در تداوم فعالیت تجاری سهم می‌شود.

درواقع مدیریت ریسک، به تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر، برنامه‌ریزی منسجم و استفاده بهتر از منابع منجر می‌شود. گستردگی و پیچیدگی ساختار خطر در پروژه‌های نفت و گاز باعث می‌شود که بیمه‌گران و بیمه‌گذاران نتوانند به‌راحتی با یکدیگر تعامل کنند. اقتضائات و محاسبات صنعت ریسک و بیمه از یک‌طرف و نیازهای متنوع

۱-۲- ریسک‌های محیطی در بخش بالادستی نفت و گاز

✓ ریسک‌های سیاسی

اغلب مخازن و میادین نفت و گاز جهان در مناطقی قرار دارند که به لحاظ ثبات سیاسی و امنیتی وضعیت ضعیف‌تری نسبت به کشورهای صنعتی مصرف‌کننده و سرمایه‌گذاران این صنایع دارند. تحولات سیاسی علاوه بر تأثیر مستقیم می‌تواند به صورت تحولات اقتصادی نیز ظهور و بروز پیدا کند. در ایران، مسئله مخازن و میادین نفتی و فعالیت شرکت‌های بین‌المللی نفت و گاز همواره یک موضوع و چالشی سیاسی بین دولت‌مردان بوده و حتی از سوی مردم نیز حساسیت‌های بسیاری متوجه آن است که اهمیت این ریسک را دوچندان می‌کند.

جنبه دیگر ریسک سیاسی، به میزان حمایتی که کشور میزبان از سرمایه‌گذاری‌های کلان و سرمایه‌گذاری خارجی دارد، بازمی‌گردد. این حمایت‌ها، ساختار و هزینه تأمین مالی و مالکیت و مدیریت فرآیند راه‌اندازی و استخراج را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ریسک‌های حقوقی و قانونی نیز در این دسته قرار می‌گیرند. نظام‌های حقوقی بسته به میزان پیشرفته بودنشان، حمایت‌ها و به همین ترتیب مشکلات خاصی برای سرمایه‌گذاری‌ها ایجاد می‌کنند. بعلاوه میزان استقلال دادگاه‌ها، شفافیت‌ها، نرخ تغییرات و بسیاری از فاکتورهای حقوقی دیگر در میزان ریسک کسب‌وکارها و بالطبع میزان ریسک پروژه‌های بالادستی نفت و گاز مؤثر هستند. فهرستی از ریسک‌های سیاسی مرسوم به شرح زیر است:

- ۱) ریسک مصادره و ملی کردن
- ۲) ریسک تروریسم
- ۳) ریسک تغییر در مفاد قرارداد توسط دولت

۴) ریسک فساد (رشوه، تبانی و ...)

۵) ریسک تغییر در قوانین سرمایه‌گذاری خارجی

۶) ریسک تحولات بین‌المللی

۷) ریسک عدم ثبات سیاسی کشور میزبان

۸) ریسک عدم امکان تبدیل پول داخلی به ارزهای معتبر

۹) ریسک تغییر در قانون و مقررات

۱۰) ریسک تحریم و ممنوعیت‌های خاص

✓ ریسک‌های اقتصادی

ریسک‌های اقتصادی از عمومی‌ترین نوع ریسک‌هایی هستند که تمام پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. فعالیت در بخش بالادستی نفت و گاز نیز به شدت تحت تأثیر این عامل قرار دارد. علاوه بر این باید توجه داشت که حوادث بسیاری نیز خارج از اختیار مدیران پروژه به صورت حوادث فوری واقع و در نتیجه منجر به خسارت‌های زیادی به پروژه‌ها می‌شوند که در این دسته قرار می‌گیرند. ریسک‌های اقتصادی به‌طور کلی شامل:

- ۱) ریسک تغییرات عرضه و تقاضا
- ۲) ریسک تغییر در مالیات‌ها
- ۳) ریسک تغییر در حقوق مالکانه
- ۴) ریسک نوسانات قیمت نفت
- ۵) ریسک نوسانات نرخ ارز
- ۶) ریسک نوسانات نرخ تورم داخلی و بین‌المللی
- ۷) ریسک نوسانات در قیمت مواد اولیه
- ۸) ریسک عدم ثبات شاخص‌های اقتصادی (فضای کسب‌وکار، رفاه و توزیع درآمد و ...)
- ۹) ریسک حوادث فاجعه‌آمیز (زلزله، طوفان، آتش‌فشان، تندباد و ...)

نهایی را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین فناوری می‌تواند به صورت یکجانشین یا رقیب جدید نیز عمل نمایند.

ریسک‌های فناوری در بخش بالادستی نفت و گاز می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. فناوری‌های نوین به شدت در حال گسترش هستند و منجر به کاهش هزینه‌های تولید می‌شوند. از سوی دیگر فناوری‌های جدید در حال توسعه، در برخی موارد مانند گاز شیل و ماسه‌های نفتی به مراحل تجاری نیز رسیده‌اند و به نوعی رقبای سرسختی برای نفت و گاز تلقی می‌شوند. علاوه بر اینکه فناوری‌های جدید، میزان مصرف را کاهش می‌دهد، در تغییر نوع سوخت و انرژی نیز بسیار تأثیرگذار است. برای نمونه گسترش ماشین‌های برقی می‌تواند یک ریسک بالقوه برای نفت و گاز باشد.

به‌طور کلی ریسک‌های مرتبط با فناوری عبارت‌اند از:

- ۱) ریسک تغییرات در فناوری بخش بالادستی
- ۲) ریسک تغییر در فناوری‌های کاهنده مصرف
- ۳) ریسک توان مدیریت پروژه‌های پیچیده بزرگ

۲-۲- ریسک‌های داخلی بخش بالادستی نفت و گاز

به‌طور کلی به ریسک‌هایی که از داخل سازمان با پروژه مرتبط هستند، ریسک‌های داخلی می‌گویند. تأثیر این ریسک‌ها از ناحیه‌ی تیم مدیریت پروژه و قدرت کنترل آن‌ها قابل بررسی است. این دسته ریسک‌ها در دودسته‌ی ریسک‌های فنی و ریسک‌های مدیریت سازمانی قابل تقسیم است.

✓ ریسک‌های فنی

منظور از ریسک‌های فنی، آن دسته از ریسک‌هایی‌اند که به دلیل عدم دانش و اطلاعات کافی و به‌طور

۱۰) ریسک شرایط سخت اقلیمی (مکان و محدوده‌ی پروژه)

✓ ریسک‌های اجتماعی

ریسک‌های اجتماعی بخصوص تحت تأثیر تحولات دهه‌های اخیر، به نحو چشمگیری مورد توجه مدیران تصمیم‌گیر در بخش بالادستی نفت و گاز قرار گرفته است. توجه به جنبه‌های اجتماعی پروژه‌های بالادستی نفت و گاز و بخصوص مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌های مسئول، باعث پررنگ‌تر شدن این حوزه شده است. ریسک‌های اجتماعی پروژه‌های بالادستی نفت و گاز عبارت‌اند از:

- ۱) ریسک خوش‌نامی سرمایه‌گذار
- ۲) ریسک اقدامات خرابکارانه
- ۳) ریسک عدم مقبولیت در اجتماعات محلی
- ۴) ریسک تغییر قوانین و مقررات مسئولیت اجتماعی
- ۵) ریسک نگرش منفی به شرکت‌های چندملیتی نفت و گاز در اجتماعات محلی
- ۶) ریسک تغییر در سلايق مصرف‌کنندگان
- ۷) ریسک نیروی کار بومی و اعتصابات کاری
- ۸) ریسک امنیت عمومی
- ۹) ریسک دزدی و سرقت
- ۱۰) ریسک جرم و جنایت

✓ ریسک‌های فناوری

تغییر در فناوری‌ها و میزان سرعت این تغییرات منجر به بهبود و کاهش ریسک‌های حوزه بالادستی صنعت نفت و گاز شده است. تغییر در فناوری می‌تواند به صورت تغییر در ساختار تولید و در نتیجه تأثیر در کیفیت و قیمت محصول نهایی ظاهر گردد و یا می‌تواند مستقیماً کالای

مدیریتی طیف گسترده‌ای از ریسک‌های خطای انسانی تا حوادث به دلیل غفلت و ... را شامل می‌شود و عبارت‌اند از:

- ۱) ریسک حوادث خاص پروژه (آتش‌سوزی، سقوط تجهیزات سر چاهی، تصادم شناورها و...)
- ۲) ریسک نشت نفت و گاز در دریا
- ۳) ریسک‌های مسئولیت در مقابل اشخاص ثالث
- ۴) ریسک تغییرات در دامنه و حوزه پروژه
- ۵) ریسک افزایش هزینه‌ها
- ۶) ریسک زمان‌بندی
- ۷) ریسک تأمین مالی
- ۸) ریسک خسارت به محیط‌زیست
- ۹) ریسک عدم کفایت نیروهای متخصص

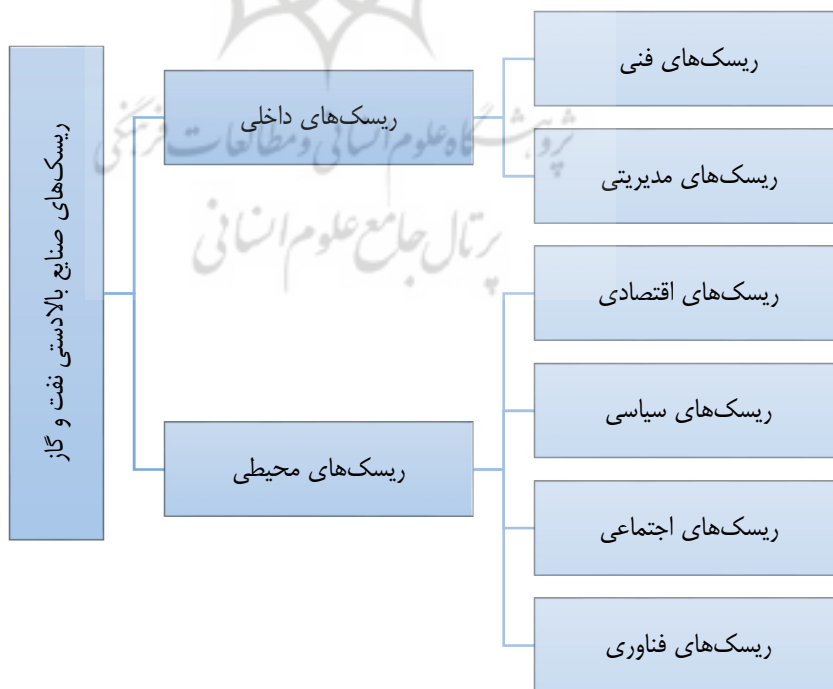
خاص در مورد جنبه‌های فنی پروژه قابل‌طرح و ارزیابی هستند. این ریسک‌ها شامل:

- ۱) ریسک مفروضات برآوردهای پروژه
- ۲) ریسک تخصص و کارآمدی شبکه‌ی همکاران
- ۳) ریسک اعتبار داده‌ها و منابع اطلاعاتی
- ۴) ریسک دقت محاسبات و برآوردها
- ۵) ریسک کفایت چاه‌های اکتشافی و ارزیابی آن‌ها
- ۶) ریسک‌های زمین‌شناسی (نوع سازه، پیچیده بودن ساختار زمین‌شناسی و...)
- ۷) ریسک عدم دقت در پیش‌بینی نیازمندی‌ها

✓ ریسک‌های مدیریتی سازمانی

منظور از ریسک‌های مدیریت سازمانی ریسک‌هایی است که از داخل سازمان و از ناحیه تیم مدیریتی و اجرایی پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ریسک‌های

شکل ۱- ریسک‌های نایع بالادستی نفت و گاز



منبع: سیفلو، ۱۳۹۵.

۳- مهم‌ترین چالش‌های مرتبط صنعت بیمه با بخش بالادستی نفت و گاز

پروژه‌های صنعت نفت و گاز پیچیده، دارای ریسک بالا و پرهزینه هستند و به نحوی کاملاً مشخص از دیگر صنایع متمایز هستند. از مرحله لرزه‌نگاری تا حفاری چاه‌ها و در نهایت پالایش محصول نهایی، تکنولوژی‌های متعددی بکار گرفته می‌شود و خطراتی مانند فشار بسیار بالای مخزن، انتشار گاز سمی سولفید، به‌کارگیری مواد خطرناک در بخش پالایش و پتروشیمی و دیگر خطرات موجود وجود دارد. با توجه به کلیه عوامل مطرح‌شده و نیز خطرات عملیاتی، اجرایی، زیست‌محیطی، صرف هزینه‌های سنگین اجرایی و دیگر موارد مرتبط باید اذعان کرد که ریسک انجام پروژه‌های نفت و گاز نسبت به دیگر صنایع مطرح شدت بالاست. از طرفی افزایش تقاضای جهانی برای انرژی‌های فسیلی که سطح فعلی نیز قابل‌توجه است، باعث ضرورت نیاز به ورود و توسعه صنعت بیمه به جهت پوشش ریسک‌های این بخش می‌شود.

علیرغم اهمیت صنعت نفت و گاز در اقتصاد

ایران، باید گفت که این بخش از جایگاه ویژه‌ای در پرتفوی بیمه‌ی کشور برخوردار نیست. این عدم تناسب میان سهم صنعت نفت و گاز به‌عنوان اصلی‌ترین بخش در تولید ناخالص داخلی و سهم ناچیز آن در صنعت بیمه نشان‌دهنده‌ی وجود چالش‌های فراوان این عرصه است؛ امری که سیاست‌گذار مربوطه باید برای برطرف کردن آن اهتمام ویژه‌ای به کار برد. در ادامه سعی شده است تا اهم

چالش‌های مرتبط با این دو صنعت، بیان و تبیین گردد.

- نبود بانک اطلاعاتی در بخش بیمه‌های انرژی

در آمریکا و کشورهای پیشرفته انجمنی به نام انجمن بین‌المللی پیمانکاران حفاری وجود دارد که حفاری فقط با مجوز و تأیید این مرکز امکان‌پذیر است. این مرکز اطلاعات مربوط به ریسک‌های موجود، تعداد حوادث رخ داده و میزان ضرر و زیان‌های وارده و آمار دکل‌های حفاری فعال در منطقه و دیگر اطلاعات موردنیاز بیمه‌گر را برای بیمه نمودن در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. اصلی‌ترین دلیل تخمین و پیش‌بینی بسیار دقیق شرکت‌های بیمه از ریسک‌های پیش‌روی ایشان، وجود همین اطلاعات و داده‌های موجود است. اما در زمینه‌ی بانک اطلاعاتی در ایران، شرکت‌های بیمه‌ی کشور به چنین اطلاعات اولیه‌ای دسترسی ندارند و به همین سبب باوجود اولین آسیب و حادثه در پروژه، توان و امکان تعهد صورت گرفته را نخواهند داشت.

- دولتی بودن سرمایه‌های صنعت نفت و گاز و

پتروشیمی

سهم ۷۰ درصدی مالکیت یا مدیریت دولتی در تمامی ارگان‌ها، شرکت‌ها، تأسیسات و سازمان‌های مرتبط باعث می‌شود که مدیران این شرکت‌ها تمایلی برای حرکت به سمت سازوکاری به جهت پوشش ریسک و خسارت‌های ناشی از آن نداشته باشند. به‌عبارت‌دیگر، در اقتصادهای رانتی و متکی به نفت در صورت ایجاد خسارت بر اموال و دارایی‌ها، اولین راهی که برای جبران خسارت پیش‌روی مدیران

توجه به اطلاعات کم، بیمه مدنظر به‌خوبی پوشش ریسک بخش موردنظر را در برنمی‌گیرد و باعث ایجاد ضرر به طرفین معامله نیز می‌گردد.

۴- انواع ساختارهای مرسوم بیمه به‌منظور پوشش ریسک

به‌منظور ارائه یک مدل بیمه‌ای با کمترین مشکلات و چالش‌ها برای پوشش ریسک‌های عملیاتی مربوط به میادین و چاه‌های نفت و گاز ایران، در وهله اشراف نسبی به انواع ساختار بیمه‌ای مرسوم در دنیا امری ضروری است. به‌طورکلی طبقه‌بندی فعالیت‌ها و نهادهای بیمه می‌تواند از نگاه‌های گوناگونی صورت پذیرد. بیمه از منظر مورد بیمه‌شده و خطر بیمه‌شده به بیمه‌های اموال و اشخاص تقسیم می‌گردد و از منظر شرایط تقاضای بیمه، به بیمه‌ی اجباری و داوطلبانه دسته‌بندی می‌گردد. از منظر قانونی، بیمه به شرکت‌های با مسئولیت محدود، متقابل و تعاونی تقسیم می‌شود. از منظر کنترل و بازرسی درونی فعالیت‌ها به شرکت‌های سهامی، متقابل و تعاونی و مختلط قابل تقسیم است. در شرکت‌های سهامی مالکیت و مدیریت بنگاه اقتصادی در اختیار سهامداران است.

شرکت‌های بیمه‌ی متقابل توسط اعضای بیمه‌شده کنترل می‌شوند و اعضای بیمه‌شده همان بیمه‌گذاران شرکت هستند. مؤسسات بیمه تعاونی توسط سازمان‌های تعاونی یا به‌صورت همکاری توسط اعضای تعاونی کنترل و مدیریت می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر اعضای تعاونی به‌صورت همکار نسبت

است، پرداخت از طریق منابع دولتی است. در صورتی‌که نیاز ضروری به پوشش ریسک از طریق بیمه وجود داشته باشد، شرکت‌های دولتی ملزم به برگزاری مناقصه جهت اخذ پوشش ریسک می‌شوند که در این زمینه نیز نباید اعتبار شرکت‌های بیمه‌ای فدای نرخ پایین‌تر پیشنهادی توسط شرکت‌های گمنام حاضر در مناقصه شود.

- توان مالی شرکت‌های بیمه داخلی در پذیرش ریسک بیمه‌های انرژی

یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی بیمه‌ی بخش انرژی در کشور که باعث کاهش سبد بیمه‌ای این بخش می‌شود، عدم توانایی مالی شرکت‌های بیمه برای پوشش ریسک‌های موجود است. توجه به اینکه ریسک‌های صنایع بالادستی بیشتر مرتبط با حفاری و اکتشاف است، جزء ریسک‌های پرخطر محسوب می‌شود. متوسط ریسک‌های حفاری در جهان حدود ۴۰۰ میلیون دلار برای هر دکل حفاری است که برای بسیاری از شرکت‌های بیمه، عدد هنگفتی است. البته با توجه به اینکه بیشتر حفاری‌های ایران در خشکی انجام می‌شود، این مقدار کاهش می‌یابد اما کماکان ارقام ریسک در سطوح بالایی قرار دارد.

- عدم اشراف بیمه‌گران و کارشناسان صنعت نفت، گاز و پتروشیمی به بیمه‌نامه‌های انرژی

عدم اشراف بیمه‌گران به بیمه‌نامه‌های این حوزه، ناشی از عدم تسلط به ریسک‌های موجود است. این امر موجب عدم پیگیری و تلاش شرکت‌های بیمه‌ای جهت فعالیت در این بخش می‌شود. از طرفی دیگر در صورت بیمه نمودن برخی ریسک‌های موجود با

واگذارنده به حساب خودش نگه می‌دارد، سهم نگهداری یا سهم نگهداری خالص نامیده می‌شود.

مقدار بیمه واگذارنده به بیمه‌گر اتکایی به عنوان واگذاری شناخته می‌شود. همچنین بیمه‌گر اتکایی دیگر نیز به همان ترتیب می‌تواند بخش یا تمام ریسک بیمه‌گر اتکایی را بیمه اتکایی نماید، که به عنوان بیمه اتکایی مجدد یا واگذاری مجدد شناخته می‌شود. در این حالت، بیمه‌گر اتکایی دوم نیز بیمه‌گر اتکایی مجدد یا اتکاگیر نامیده می‌شود. نگهداشت، در بیمه اتکایی مبلغی است که شرکت می‌تواند و مایل است که از یک ریسک خاص یا از ریسک‌هایی که می‌پذیرد، به حساب خود نگهداری کند. به عبارت دیگر، نگهداشت، حداکثر مبلغی است که شرکت توانایی پرداخت آن را در صورت وقوع خسارت برای یک بیمه‌نامه، یک ریسک و یا گروهی از ریسک‌ها دارد. بیمه اتکایی به دلایل مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها افزایش ظرفیت بیمه‌گری، تثبیت سودهای شرکت بیمه، کاهش ذخیره حق بیمه‌های عاید نشده و حفاظت در برابر خسارت فاجعه‌آمیز است (مهدوی و نصیری، 1391).

بیمه اتکایی خارجی راحت‌ترین و کم در دست‌ترین نوع تهیه پوشش بیمه، برای ریسک‌های بزرگ در صورت عدم توانایی شرکت‌های داخلی در تأمین کامل پوشش ریسک محسوب می‌شود. این روش تا قبل از تحریم‌های نفتی و مالی، در صنعت بیمه بکار گرفته می‌شد ولی با اعمال تحریم‌ها و عدم همکاری شرکت‌های بیمه اتکایی با شرکت‌های بیمه داخلی، استفاده از این نوع مرسوم از میان رفت.

به ارائه خدمات بیمه‌ای و تأمین سرمایه شرکت متعهد می‌شوند. در شرکت‌های مختلط مدیریت شرکت بر عهده سهامداران است. اما بیمه‌گزاران نیز در مواقعی در هیئت‌مدیره نمایندگانی دارند یا در منافع مشارکت دارند. تقسیم‌بندی دیگر از منظر هدف شکل‌گیری، به نهادهای غیرانتفاعی (دولتی مانند تأمین اجتماعی)، سودمحور (بیمه‌های مالکانه یا سهامی) و خدمت متقابل (بیمه‌های تعاونی و متقابل) قابل طبقه‌بندی است (ملکی نژاد، 1396).

در همین راستا و به منظور ارزیابی دقیق و ارائه راهکار عملیاتی مناسب برای ایران، بایستی ساختارهای بیمه‌ای ممکن برای پوشش این‌گونه ریسک‌ها به دقت بررسی و تشریح گردد. به‌طور کلی شرکت‌های بیمه‌ای در جهان برای پوشش ریسک‌های پرخطر و بزرگ از جمله ریسک‌های مرتبط با بخش بالادستی نفت و گاز از 6 مدل استفاده می‌نمایند، که در ادامه به‌طور جداگانه به هر کدام پرداخته خواهد شد.

- بیمه اتکایی خارجی

بیمه اتکایی، قراردادی است که از طریق آن بیمه‌گر اولیه که در ابتدا قرارداد بیمه را صادر کرده است، تمام یا بخشی از خسارت بالقوه مرتبط با آن بیمه‌نامه را به بیمه‌گر دیگری (که بیمه‌گر اتکایی خوانده می‌شود) منتقل می‌نماید. بیمه‌گر اولیه که در ابتدا بیمه‌نامه را صادر نموده است، شرکت واگذارکننده نامیده می‌شود. بیمه‌گری که تمام یا بخشی از قرارداد بیمه را از شرکت واگذارکننده می‌پذیرد نیز بیمه‌گر اتکایی خوانده می‌شود. مقدار بیمه‌ای که شرکت

- بیمه‌ی وابسته (کپتیو)^۱

بیمه‌ی وابسته، در واقع نوعی خود بیمه‌گری است که کلیه‌ی ریسک‌های یک گروه یا سازمان وابسته را بیمه می‌کند، به این صورت که حق بیمه‌ای متناسب با ریسک از واحدهای وابسته خود دریافت و آن‌ها را در صندوقی واریز و از محل آن، خسارت‌های وارده را جبران می‌کند. از آنجاکه منابع مالی این صندوق محدود است، سازمان از طریق خرید پوشش اتکایی خود را تحت پوشش اتکایی نیز قرار می‌دهد. شرکت‌های بیمه‌ی وابسته با توجه به نوع و گسترش بازارها دارای مزایا و معایب بسیاری هستند. لازمه‌ی فعالیت این شرکت‌ها توسعه‌ی بازار آزاد و مقررات زدایی است. طبق قوانین و مقررات ایران فعالیت شرکت‌هایی که به خود بیمه‌گری می‌پردازند مجاز نیست. اقبال شرکت‌های بزرگ و چندملیتی به‌خصوص شرکت‌های نفت و گاز در برپایی شرکت‌های بیمه‌ی وابسته درخور توجه است.

اهمیت موضوع از آنجا است که در بازار جهانی بیمه، شرکت‌های بیمه‌ای وابسته مناسب‌ترین و قوی‌ترین پوشش‌های بیمه‌ای را به‌صورت کیفی و اطمینان‌بخش در اختیار بیمه‌گذاران قرار می‌دهند. گرایش شرکت‌های بزرگ برای استفاده از بیمه‌ی وابسته به‌خصوص در اواسط ۱۹۸۰ میلادی بی‌دلیل نبوده است. در آن سال‌ها شرکت‌های بیمه‌گر شرایط بازار را به‌گونه‌ای بر خریداران بیمه، سخت و محدود کردند که خرید برخی بیمه‌ها غیرممکن یا با هزینه‌های سنگین و شرایط محدودکننده‌ای همراه

بود. در این میان شرکت‌های بیمه وابسته به‌عنوان بهترین و مناسب‌ترین شیوه برای پوشش ریسک مطرح شده‌اند. تجربه نشان داده است شرکت‌های بیمه‌ی وابسته در کشورهای پیشرفته که خدمات بیمه‌ای در آن‌ها به‌صورت کیفی و در استانداردهای بالا ارائه می‌شود نیز موفق بوده و حضوری پررنگ و پربارتری نسبت به دیگر انواع شرکت‌های بیمه مرسوم، داشته‌اند.

امروزه حدود ۵ هزار بیمه‌ی وابسته با حق بیمه‌ای بیش از ۲۵ میلیارد دلار در سرتاسر دنیا وجود دارد. همچنین سرمایه‌این شرکت‌ها تقریباً بیش از ۵۳ میلیارد دلار برآورده شده و تعداد آن‌ها روزبه‌روز در حال افزایش هست. (جوان، ۱۳۹۲). این شرکت‌ها ابتدا بین شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی و سپس در قاره اروپا، اسکاندیناوی و استرالیا ایجاد گردید. منطقه برمودا به‌واسطه سیستم مالیاتی مناسب مهم‌ترین نقطه برای شرکت‌های بیمه‌ی وابسته در جهان است و حدود یک‌سوم شرکت‌های بیمه‌ی وابسته در این منطقه قرار گرفته‌اند. محل ثبت و مرکز اصلی این شرکت‌ها غالباً در مناطق آزاد تجاری است تا مشمول مقررات نظارتی کمتر و معافیت‌های قابل توجه مالیاتی گردند (سلطانی مقیم، ۱۳۹۳).

طبقه‌بندی شرکت‌های بیمه‌ی وابسته عبارت است از:

- ۱- شرکت بیمه وابسته محض^۲: به شرکت بیمه کاملاً وابسته به یک سازمان غیر بیمه‌ای گفته می‌شود که فقط برای تأمین مالی تمام یا

1. Captive
2. Pure captive

وابسته، حق بیمه و درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری در درون یک گروه حفظ می‌گردد و به همین دلیل در صورت بروز خسارت حق بیمه در زمان کمتری تأمین می‌شود. علاوه بر موارد گفته‌شده مزایای دیگر نیز برای این نوع از بیمه نسبت به سایر ساختارهای بیمه‌ای مرسوم وجود دارد که عبارت‌اند از:

- کاهش هزینه‌های معاملاتی
- عدم تحمیل هزینه‌های سربار
- عدم تضاد بین بیمه‌گران و بیمه‌گذاران
- استفاده از مزیت معافیت‌های مالیاتی
- برخورداری از امکانات فنی و تخصصی شرکت مادر

- بیمه‌ی متقابل^۴

یک شرکت بیمه‌ی متقابل یک اتحادیه نامحدود است که توسط بیمه‌شوندگان ایجاد می‌شود. این اعضا به پرداخت سهم دوره‌ای از پیش تعیین‌شده متعهد می‌شوند. مبالغ جمع‌آوری‌شده به‌منظور پوشش زیان‌های محتمل‌الوقوع آتی در محدوده زمانی مورد توافق هزینه می‌شود. می‌توان بیمه متقابل را شکلی ابتدایی یا توسعه‌نیافته از بیمه تعاونی^۵ در نظر گرفت. بیمه متقابل و بیمه تعاونی هر دو در نوع پوشش مانند یکدیگر هستند، اما در شیوه عمل و نوع سازمان باهم تفاوت دارند (بارو، ۱۹۳۶).

بیمه‌ی متقابل از لحاظ نظری یک شرکت غیرانتفاعی است. صاحبان این شرکت همان

بخشی از ریسک‌های شرکت مادر تأسیس شده است.

۲- شرکت بیمه وابسته ارشد^۱: شرکتی است که در آن تأمین مالی ریسک‌های سازمان‌های دیگر (جز سازمان مادر) که مورد پوشش قرار گرفته‌اند بیش از ۲۵ درصد ارزش کل پرتفوی آن باشد.

۳- شرکت بیمه وابسته سودمحور^۲: به شرکت بیمه وابسته‌ای گفته می‌شود که سهم هزینه ریسک شرکت مادر کمتر از ۲۵ درصد پرتفوی شرکت وابسته باشد.

۴- شرکت بیمه وابسته گروهی^۳: به شرکت بیمه وابسته‌ای گفته می‌شود که دو یا چند سازمان غیر بیمه‌ای آن را صرفاً برای تأمین مالی ریسک‌های خود تملک، سازمان‌دهی یا اداره می‌کنند.

به‌طور کلی تمایل به تأسیس شرکت‌های بیمه‌ای وابسته در دنیا رو به افزایش است. از عوامل مؤثر در جذب و تمایل شرکت‌ها می‌توان به کمتر بودن هزینه‌ی حق بیمه در آن اشاره کرد. از طرفی شرکت‌های بیمه عمدتاً حق بیمه را پیشاپیش دریافت می‌نمایند درحالی‌که خسارت‌ها در مدت‌زمانی طولانی بازپرداخت می‌گردد و از محل این حق بیمه‌ها جهت سرمایه‌گذاری و سودآوری استفاده می‌کنند. درحالی‌که با استفاده از یک شرکت بیمه‌ی

1. Senior captive
2. Profit center captive
3. Group captive
4. Mutual insurance
5. Cooperative insurance

می‌شود و بیمه‌گزاران همان بیمه‌گرها هستند (Gonulal، 2013).

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های بیمه‌های متقابل به شرح زیر می‌باشد:

الف) پایین بودن هزینه‌های عملیاتی: در بسیاری شاخه‌های بیمه متقابل، مقدار زیان به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد. علت این امر، دقت و مراقبت بیمه‌شوندگان و اجتناب آنان از خطر است. به‌عنوان مثال در بیمه آتش‌سوزی با مراقبت از ارائه پوشش مضاعف (ارائه پوشش بیمه‌ای بیش از ارزش مورد بیمه) بارزش‌گذاری بالاتر از میزان و نیز کاهش ارائه پوشش بیمه‌ای به افراد سطح ریسک بالا، زیان شرکت بیمه کاهش می‌یابد.

ب) عدم وجود منافع وابسته به مالکیت: در بیمه‌های متقابل، ذخیره سرمایه (آورده اولیه سرمایه) وجود ندارد. نبود سهم سرمایه‌ای به این معنی است که در حقیقت از لحاظ قانونی هیچ‌کس در بیمه متقابل منفعت مالکانه ندارد. نبود منفعت مالکانه یکی از ویژگی‌های اصلی بیمه متقابل است. از آنجایی که در بیمه متقابل سهام‌دار وجود ندارد منافع مالی و پوشش خسارات می‌تواند با استفاده از حق بیمه‌های پایین‌تر ارائه گردد و تمام مازاد باقی‌مانده بین همه بیمه‌گزاران تقسیم شود (محمدکاظم، ۲۰۱۳).

ج) عدم ایجاد سود: ویژگی مهم دیگر بیمه متقابل "عدم ایجاد سود" است. در بیمه متقابل سهم سرمایه و سود تقسیم‌شده وجود ندارد. درآمد حاصل از فعالیت بیمه‌گری به‌منظور پوشش هزینه‌های عملیات

بیمه‌گرانی هستند که این شرکت آن‌ها را بیمه کرده است و بنابراین سهام‌داران دیگری وجود ندارند. بنابراین، هر یک از بیمه‌گزاران دارای حق رأی محدود در انتخاب هیئت‌مدیره خواهند داشت. برخلاف شرکت‌های سهامی بیمه که در آن سود عملیات بیمه‌گری متعلق به سهام‌داران است، عایدی ناشی از عملیات بیمه‌گری به‌عنوان برگشت حق بیمه به بیمه‌گزاران برمی‌گردد و به‌عنوان درآمد به حساب نمی‌آید (Outreville، 1997).

به‌عبارت‌دیگر تفاوت بیمه‌ی متقابل با بیمه‌های مالکانه در سود و زیان آن است. سود و زیان در بیمه متقابل متعلق به بیمه‌گزاران است در حالی که سود و زیان در بیمه‌های سهامی متعلق به سهام‌داران شرکت می‌باشد. شرکت‌های بیمه سهامی درصدد پذیرش فعالیت‌های ریسکی تجاری با انحراف معیار و نوسان ریسک بیشتر هستند زیرا دسترسی آن‌ها به بازار سرمایه بیشتر است بنابراین نیاز به سرمایه در شرکت‌های بیمه سهامی بیش از بیمه‌های متقابل است. چراکه بیمه‌های متقابل به دنبال پذیرش ریسک‌هایی هستند که قابل پیش‌بینی‌تر باشند. بنابراین نیاز به سرمایه و نیز نگهداری بخشی از منافع یا مازاد به‌عنوان ذخایر در بیمه‌های متقابل کمتر است. به همین جهت تقاضای سرمایه مدیریت شرکت‌های سهامی بسیار بیشتر از تقاضای مدیریت بیمه‌های متقابل است. در شرکت‌های سهامی بیمه، ریسک بیمه‌گزاران به شرکت منتقل می‌شود درحالی که در بیمه متقابل، ریسک بیمه‌گزاران به اشتراک گذاشته

می‌گیرند و به همین دلیل نمی‌تواند پاس‌خگوی نیازهای بیمه‌ای شرکت‌های بزرگ نفتی باشد.

– بیمه‌ی تعاونی^۱

تعاونی، اجتماع مستقل اشخاصی است که به منظور تأمین نیازها و هدف‌های مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود، از راه اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه‌ای با مالکیت مشاع، باهمدیگر به صورت اختیاری توافق کرده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۹). عبارت بیمه‌ی تعاونی به گونه وسیعی از نهادها اطلاق می‌گردد که به سرعت در جهان گسترده شده‌اند. اداره یک شرکت بیمه تعاونی ممکن است کاملاً ساختاری تعاونی نداشته باشد، بلکه ترکیبی از یک بیمه تعاونی و یک شرکت سهامی باشد (یعنی الزام نیست بیمه‌شدگان یا بیمه‌گذاران تنها سهامداران آن شرکت باشند). در بعضی از اشکال این شرکت‌ها امکان دارد رابطه اعضا با شرکت بیمه تعاونی تنها از طریق یک بیمه‌نامه باشد (بیکارجو، ۱۳۸۰).

مرز بین بیمه متقابل و بیمه تعاونی تا حدودی مبهم است. این دو نوع بیمه به طور قابل ملاحظه‌ای حتی توسط نویسندگان معتبر در این موضوع دچار اختلال مفهوم گردیده‌اند. یک سؤال مهم که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا یک شرکت تعاونی می‌تواند دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و به عنوان یک نهاد، جدای از اعضای خود در نظر گرفته شود. این امر کاملاً مشهود است که هدف سازمان‌های تعاونی، ایجاد یک بنگاه تجاری با تداوم است که به هیچ‌یک از اعضای خود وابسته نیست. این اصل،

و پرداخت خسارات به کار می‌رود. در صورتی که مزایای باقی بماند به صورت متناسب بین بیمه‌گذاران به عنوان پرداخت فوق‌العاده یا پاداش بازگردانده می‌شود که می‌تواند به صورت پرداخت نقدی یا در قالب اعتبار باشد (بارو، ۱۹۳۶).

د) فقدان رابطه دائمی بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر: هیچ رابطه دائمی بین عضو بیمه متقابل (بیمه‌گذار) و انجمن بیمه متقابل وجود ندارد. بیمه‌گذاران یک بنگاه مشترک و مشارکتی ایجاد نمی‌کنند، بلکه تنها برای کمک‌های موقتی متحد می‌گردند. (ملکی نژاد ۱۳۹۶) ه) سرمایه اجتماعی بالا: به نظر می‌رسد در انجمن‌های بیمه متقابل به خاطر برقراری روح برادری و همکاری متقابل بین اعضا، میزان سرمایه اجتماعی و اعتماد اعضا به یکدیگر در سطح بالاتری نسبت به بیمه‌های مالکانه باشد. به دیگر سخن سرمایه اجتماعی بالا، اثرات ناشی از اطلاعات نامتقارن و نهایتاً پدیده کژگزینی را تا حدود زیادی کاهش می‌دهد (پژوهشکده بیمه، ۱۳۹۰).

به طور کلی الگوی بیمه متقابل واجد کارکردهای مهمی در توسعه بخش‌های تولیدی به خصوص در حوزه تولیدات پرخطر و ریسکی است. اما ناگفته نماند که در این مدل بیمه‌ای مالیاتی پرداخت نمی‌شود و از سویی دیگر ذخیره‌ای نیز به بیمه مرکزی پرداخت نمی‌شود، به همین خاطر مناسب‌ترین نوع بیمه از دیدگاه بیمه‌گذاران محسوب می‌شود. اما مقیاس کاری این نوع بیمه‌ها پایین بوده و در دنیا فقط برای اهداف به خصوصی طراحی و مورد استفاده قرار

اساسی‌ترین تفاوت شرکت تعاونی با نهاد متقابل است (بارو، ۱۹۳۶).

از مهم‌ترین منافع بیمه‌های تعاونی می‌توان به باز توزیع مازاد سود بین بیمه‌گذاران به‌عنوان سهامدار همچنین به افزایش ضریب نفوذ بیمه و کاهش خسارات به دلیل افزایش سرمایه اجتماعی و دقت بیشتر در حداقل سازی ریسک اشاره کرد. به‌طورکلی ویژگی‌های شرکت‌های تعاونی به‌صورت خلاصه شامل موارد زیر می‌گردد:

- عدم ارتباط نسبت سهام با حق رأی
 - برخورداری از مزایای معافیت‌های مالیاتی
 - برخورداری از حقوق و مزایای برابر تمام اعضا
 - تقسیم مازاد درآمد بین اعضای شرکت
 - جلوگیری از بهره‌کشی و استثمار
- با توجه به مطالب ارائه‌شده در بالا مشخص است که این نوع نظام بیمه‌گری مختص افراد و بنگاه‌های کوچک و متوسط است که دایره فعالیت آن‌ها بسیار محدود است. هرچند که این نوع نظام بیمه‌داری کمترین هزینه برای اعضای خود است و هرگونه سود و منفعتی عاید خود اعضا می‌گردد؛ اما از یک‌سو اصل تعاون و یکسان بودن افراد و شرکت‌ها در این نوع نظام بیمه به‌عنوان اصل پایه باید رعایت شود و از سویی دیگر مقیاس کاری شرکت‌های تعاونی، اغلب بنگاه‌های کوچک و متوسط است. بنابراین این نوع پوشش بیمه‌ای برای پوشش ریسک‌های پرخطر و بزرگ بخش بالادستی نفت و گاز مناسب نیست (ملکی نژاد ۱۳۹۶).

- کنسرسیوم بیمه‌ای^۱

کنسرسیوم به ائتلاف چند فرد، شرکت، سازمان یا حکومت (یا ترکیبی از آن‌ها) باهم برای انجام فعالیت‌های مشترک یا ادغام منابع برای رسیدن به هدف مشترک گویند. به‌طور خلاصه منظور از کنسرسیوم ائتلاف چند شرکت باهم برای انجام امور انتفاعی است (عباسی، ۱۳۸۷) در محیط رقابتی امروز سازمان‌ها قادر نیستند به‌صورت انفرادی و تنها با تکیه بر منابع خود به اهداف استراتژیک موردنظر دست یابند و ناچاراً باید با شرکت‌ها و سازمان‌های دیگر مشارکت کنند. در صنعت بیمه هم این امر صادق بوده و شرکت‌های بیمه به دلیل نامتناسب بودن سرمایه و منابع با میزان ریسک‌های موجود قادر به پوشش انواع ریسک‌ها به‌صورت انفرادی نیستند. لذا این موضوع همکاری مشترک و دلسوزانه شرکت‌های بیمه را جهت فائق آمدن بر مشکلات فوق‌الذکر می‌طلبد. در کشورهایی که ظرفیت سرمایه‌ای و سهم نگهداری بیمه‌ها به‌قدر کافی نیست و شرکت‌های بیمه با مشکلات فراوانی روبرو باشند، معمولاً اتحاد و اشتراک شرکت‌های بیمه و تشکیل کنسرسیوم برای پوشش ریسک‌های بزرگ می‌تواند مفید باشد.

در ایران نیز در زمان تحریم‌ها و به‌منظور مقابله با آن راهکارهایی اندیشیده شد که مهم‌ترین آن تشکیل کنسرسیوم‌های بیمه‌ای به رهبری بیمه‌ایران و تشکیل صندوق ویژه خسارت به‌عنوان پشتوانه بیمه مرکزی برای بالا بردن ظرفیت سرمایه‌ای بود که از این طریق

1. CONSORTIUM

صنعت بیمه‌ی ایران در بخش‌های گوناگون بالأخص صناعی مانند نفت و گاز، پتروشیمی و برق حضور بسیار کم‌رنگ دارد که از دلایل عمده آن عدم توانایی مالی کافی و همچنین در برخی موارد عدم تخصص کافی شرکت‌ها در این حوزه است. در این راستا به‌جای رقابت باید همکاری میان شرکت‌های بیمه حاکم شود؛ چراکه این همکاری فنی و تخصصی میان شرکت‌های بیمه، دانش فنی و خدماتی آن‌ها را در جهت هدف خود بهبود می‌بخشد. ولی در کشور ما اکثر شرکت‌های بیمه از مقیاس کوچکی برخوردار بوده و شرکت‌های دولتی این حوزه در مقایسه با بخش خصوصی از نسبت بزرگ‌تری برخوردار هستند؛ به‌طوری‌که ۴۳ درصد از حق بیمه‌های کل صنعت بیمه کشور، متعلق به این شرکت‌های دولتی مخصوصاً بیمه مرکزی ایران، است.

با توجه به این شرایط ایجاد کنسرسیوم بیمه‌ای با رهبری شرکت بیمه‌ایران چندان ظرفیت نگهداری بیمه را افزایش نمی‌دهد و از طرف دیگر از آنجاکه خود شرکت بیمه‌ایران توانایی پوشش تمامی این ریسک‌های مرتبط با بخش بالادستی را ندارد ایجاد کنسرسیوم بیمه‌ای نیز نمی‌تواند نقش فعال و کاملی را برای پوشش این‌گونه ریسک‌ها ایفا کند.

۵- الگوی مطلوب بیمه برای پوشش ریسک‌های صنایع بالادستی نفت و گاز ایران
درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز سهم بسیار بالایی در بودجه دولت دارد، یکی از مهم‌ترین

بیمه مرکزی در زمینه‌ی اتکایی نمودن بیمه‌ها توانمند می‌شد.

به دنبال تحریم‌ها و محدودیت‌های کشورهای غربی برای تضعیف صنعت نفت ایران در سال ۱۳۹۰ بیمه‌ی نفت‌کش‌های ایرانی در خارج از کشور متوقف شد و نفت‌کش‌های خارجی نیز به سبب این محدودیت‌ها اجازه حضور در بنادر ایران را نداشتند. برای مقابله با این چالش راهکار تشکیل کنسرسیوم بیمه با حمایت وزارت نفت و بیمه مرکزی به‌عنوان بیمه‌گر اتکایی قانونی، ارائه شد. به موازات این طرح، بخش خصوصی نیز به پوشش بخشی از ریسک مربوطه اقدام نمود.

در این طرح به هر یک از شرکت‌های بیمه‌ی ایرانی که تجربه و تخصصی در زمینه بیمه نفت‌کش‌ها داشتند اجازه داده شد در ارائه پوشش «پی اند آی» به شناورهای داخلی و خارجی تا محدوده معین اقدام کنند. شرکت‌های بیمه برای کاهش تعهدات سنگین خود راهی جز واگذاری بخشی از این تعهدات به دیگر شرکت‌های بیمه نداشتند. از طرفی دولت نیز با تعبیه صندوق حمایت، از چالش‌های مرتبط با این مشکل کاست. در کشورهای در حال توسعه و حتی کشورهای پیشرفته نیز این نوع نظام بیمه‌گری وجود دارد. مثلاً کنسرسیوم بیمه ریسک انرژی مالزی موسوم به مریک^۱ کنسرسیومی است که در سال ۱۹۹۵ برای صدور بیمه‌های مرتبط با نفت و انرژی تشکیل شده است. این کنسرسیوم شامل ۱۷ بیمه‌گر محلی است و توسط شرکت بیمه اتکایی مالزی اداره می‌شود.

1. Malaysian Energy Risk Energy Consortium-MERIC



سرمایه‌گذاری مجدد مورد استفاده قرار می‌گیرد. از طرفی شرکت‌های بیمه‌ی وابسته نمی‌توانند تمامی ریسک‌های شرکت‌های زیرمجموعه را در اختیار خود نگه‌دارند و به عبارتی توان پوشش کامل تمامی این ریسک‌ها را ندارند. بنابراین به‌اندازه سهم نگهداری و توان خود، درصدی از بیمه‌نامه را نزد خود نگه داشته و مازاد بر آن را به شرکت‌های داخلی که کار اتکایی می‌کنند واگذار می‌کنند. در قبال این پوشش، حق بیمه اتکایی به آنان پرداخت می‌نماید و با این کار منجر به رونق بازار شرکت‌های بیمه‌ی دیگر نیز می‌شود. سرمایه‌های موجود در شرکت‌های نفت و گاز به‌مراتب از سرمایه‌های شرکت‌های بیمه بیشتر و قدرت فعالیت آن‌ها بسیار بیشتر است. از آنجاکه حق بیمه‌ی پرداخت شده در ساختار بیمه‌ی وابسته از شرکت جدا نمی‌شود؛ شرکت‌های نفت و گاز به‌راحتی می‌توانند در این صندوق‌ها اندوخته داشته باشند و در مواقع وقوع حادثه و بحران از این منابع استفاده کنند.

با توجه به موارد گفته‌شده باید اذعان کرد که تشکیل شرکت‌های بیمه وابسته می‌تواند به اعتلای صنعت بیمه و ضریب نفوذ بیمه در کشور کمک شایانی نماید. با توجه به آسیب‌شناسی انجام‌گرفته در رابطه با علل عدم ارتباط و همکاری صنایع بیمه و نفت، این نوع ساختار بیمه می‌تواند تا حد زیادی مشکلات و چالش‌های ذکر شده را برآورده نماید و کمک شایانی هم به صنعت بیمه و هم به صنعت نفت و گاز برای پوشش ریسک‌های عملیاتی بزرگ و پرخطر انجام دهد.

مواردی که باعث ضربه‌پذیر شدن این نوع از درآمدها می‌شود عدم حضور شرکت‌های بیمه جهت کاهش ریسک‌های موجود در این عرصه است. به‌رغم قدمت ۷۰ ساله‌ی صنعت بیمه، در ایران ضریب نفوذ بیمه و حق‌بیمه تولیدی به‌هیچ‌عنوان متناسب با ظرفیت و امکانات بالقوه کشور نیست. اقبال شرکت‌های بزرگ و چندملیتی به‌خصوص شرکت‌های نفت و گاز به ایجاد شرکت‌های بیمه وابسته درخور توجه است. اهمیت موضوع از آنجا است که در بازار جهانی بیمه شرکت‌های بیمه وابسته مناسب‌ترین و قوی‌ترین پوشش‌های ریسک را به‌صورت کیفی و اطمینان‌بخش در اختیار بیمه‌گذاران قرار می‌دهند.

در ساختار شرکت‌های بیمه وابسته ذیل شرکت مادر، شرکتی به‌عنوان عامل تشکیل می‌شود. مالکیت ۱۰۰ درصدی آن در اختیار هلدینگ مادر قرار می‌گیرد. شرکت عامل به نیابت از شرکت مادر قرارداد پوشش ریسک با شرکت بیمه‌ی وابسته را منعقد می‌کند و در ازای پرداخت حق بیمه‌ی محاسبه‌شده توسط کارشناسان و مدیران، تمامی ریسک‌های شرکت مادر تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است تمامی شرکت‌های زیرمجموعه‌ی شرکت عامل نیز تحت پوشش بیمه قرار می‌گیرند. در واحد سرمایه‌گذاری، سرمایه‌های اندوخته شده از شرکت‌های زیرمجموعه‌ی هلدینگ مادر با در نظر گرفتن ذخایر قانونی، در فعالیت‌های سودده سرمایه‌گذاری می‌شود و سود حاصله در خود شرکت برای پشتیبانی از فعالیت‌های بیمه شرکت و یا

آن‌ها را خواهند داشت که به‌خوبی با این مدل فضا آشنا باشند. پیوند مطالعاتی این دو مهم، یعنی ریسک صنایع بالادست نفت و گاز و پوشش بیمه‌ای، یکی از مهم‌ترین گام‌های تحقق بند سیزدهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است، زیرا با توجه به شرایط تحریمی و عدم حضور شرکت‌های بیمه خارجی، حضور موثر شرکت‌های بیمه داخلی و تضمین پوشش ریسک این صنایع می‌تواند ضمن کاستن از تکانه‌های احتمالی زمینه افزایش درآمد و همچنین رونق تولید را فراهم کند.

با بررسی انواع ریسک مرتبط با صنایع بالادستی نفت و گاز و همچنین چالش‌های صنعت بیمه در این حوزه درکنار انواع مدل‌های مرسوم بیمه در جهان، این نتیجه هویدا شد که مدل شرکت‌های بیمه وابسته با توجه به ملاحظات تحریم و شرایط خاص کشورمان می‌تواند پاسخ‌گوی پوشش ریسک‌های بزرگ و پرخطر باشد. شرکت‌های بیمه وابسته اگرچه در یک بازار تخصصی و یک محیط جغرافیایی خاص شکل می‌گیرد اما نباید فراموش کرد این نوع بیمه فاقد ضعف‌های سایر روش‌های بیمه‌ای مرسوم است. شرکت‌های بیمه‌ی وابسته درواقع نوعی خود بیمه‌گری است که کلیه‌ی ریسک‌های یک گروه یا سازمان و یا سازمان‌های وابسته را بیمه می‌کند، به این صورت که حق بیمه‌ای متناسب با ریسک از واحدهای وابسته خود دریافت و آن‌ها را در صندوقی واریز و از محل آن، خسارت‌های وارده را جبران می‌کند. در ضمن از آنجاکه منابع مالی این صندوق محدود است لذا

امری که نه تنها نیاز امروز این صنعت نفت و بیمه، بلکه یکی از ضروریات اقتصادی کشور است و در اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نسبت به تحقق آن الزام قانونی وجود دارد. به طور مشخص در بند سیزدهم ابلاغیه سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به مقابله با ضربه پذیری درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز اشاره می‌گردد که یکی از پایه‌های اساسی در کاهش این ضربه‌پذیری تقویت صنعت بیمه کشور است. امری که می‌تواند با رهیافت‌های حاصل از رویکرد اقتصاد مقاومتی نظیر دورنمایی و چینش معطف نهادی، مسیر رشد و پیشرفت کشور را هموار نماید و ضمن کاهش تکانه‌های خارجی ثبات را به متغیرهای اقتصاد کلان بازگرداند.

نتیجه‌گیری

کشور ایران در جایگاه نخست جهانی به لحاظ منابع هیدروکربوری و ذخایر نفت و گاز قرار دارد. البته حضور و فعالیت در عرصه استخراج و تولید مواد هیدروکربوری همیشه مستلزم تحمل ریسک‌های بالایی بوده است؛ چراکه این مواد قابلیت اشتعال بالایی داشته و در صورت بروز حادثه، ارقام بالایی از سرمایه‌گذاری صورت گرفته از بین می‌رود. لذا هر شرکتی برای فعالیت و انعقاد قرارداد، نیازمند کسب اطمینان خاطر از جهت پوشش ریسک‌های موجود است. این در حالی است که ریسک‌های پروژه‌های نفت و گاز دارای پیچیدگی‌ها و گستردگی‌های زیادی است و شرکت‌های بیمه در صورتی توانایی پوشش

مورداستفاده قرار دهد. تمایل به تشکیل و تأسیس شرکت‌های بیمه‌ی وابسته نه تنها به دلیل سود اندیشی بلکه به دلایلی همچون عدم خروج نقدینگی از نهادهای وابسته، ایجاد رشته‌های تخصصی موجبات توسعه و رشد پایدار صنعت بیمه را به همراه خواهد داشت.

از طریق خرید پوشش اتکایی از بیمه‌گران اتکایی خود را تحت پوشش اتکایی قرار می‌دهد. تأسیس شرکت بیمه وابسته علاوه بر کاهش حق بیمه‌ها، می‌تواند با سرمایه‌گذاری مناسب دارایی‌های شرکت‌های زیرمجموعه‌ی خود، سود کلانی را به دست آورد و برای پشتیبانی و پوشش ریسک

توصیه‌های سیاستی

پیشنهادات اصلاحی	نهاد متولی
امکان‌سنجی ایجاد صندوق‌های حمایت دولتی از شرکت‌های بیمه‌ای	وزارت اقتصاد / وزارت نفت
ایجاد بانک اطلاعاتی به منظور شناسایی ریسک‌های صنایع بالادستی نفت و گاز	بیمه مرکزی / وزارت اقتصاد
تدوین بیمه‌نامه‌ی صنایع نفت و گاز در شرایط تحریم	بیمه مرکزی ایران
دولتی بودن سرمایه‌های صنعت نفت و گاز و پتروشیمی	وزارت اقتصاد / کار و رفاه / نفت
ایجاد بستر لازم برای تقویت تعامل شرکت‌های بیمه داخلی	بیمه مرکزی / سندیکای بیمه‌گران
تقویت توان فنی و ظرفیت مالی شرکت‌های بیمه	سندیکای بیمه / مجلس اسلامی
هم‌افزایی میان بیمه‌گران و کارشناسان صنعت نفت، گاز	بیمه مرکزی
استانداردسازی برای تعیین سطوح پروژه‌های نفت و انرژی به لحاظ میزان ریسک‌های موجود با توجه به ویژگی‌های فنی مهندسی	وزارت نفت / بیمه مرکزی / شورای عالی بیمه
تدوین راهبرد جامع بازاریابی بیمه‌های انرژی	بیمه مرکزی / شورای عالی بیمه
افزایش منابع تحقیقاتی در زمینه بیمه‌های انرژی	پژوهشکده بیمه
کاهش وابستگی سرمایه‌های صنعت نفت و گاز و پتروشیمی به دولت	وزارت اقتصاد / وزارت نفت

منابع

- دانشنامه بیمه (۱۳۹۳)، پژوهشکده بیمه (وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی). جلد ۲، ص ۷۹۷

- درخشان، مسعود (۱۳۸۹) "توسعه پوشش‌های بیمه‌ای در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی"، گستره انرژی، سال چهارم، شماره ۴۵

- دقیقی اصلی، علیرضا. دامن کشیده، مرجان. نوروزی، شیما، (۱۳۹۱). "امکان‌سنجی اقتصادی تأسیس شرکت تخصصی بیمه صنایع نفت، گاز و

- اختر محققى، مهدى، (۱۳۸۵)، "جامعه‌شناسی تعاون"، تهران: انتشار مؤلف، ج ۱

- جبل عاملی، محمد سعید. رضایی فر، آیت. چایی‌بخش لنگرودی، علی (۱۳۸۶)، "رتبه بندی ریسک پروژه با استفاده از فرآیند تصمیم‌گیری چند شاخصه"، دانشکده فنی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۷، ص ۱۸۷۱-۹۶۳

Decision Making in the Oil and Gas Industry". Energy Exploration & Exploitation. Vol. 26. No. 5, 325-311

- Bourgoyne, A.T., Millheim, K.K., Chenevert, M.E., and Young, F.S. (1986).

"Applied Drilling Engineering". Texas: SPE

- Brahin, P., Bresch, D., Schnarwiler, R., Tanner, R. (2010). "Country risk management: Making societies more resilient". Swiss Reinsurance Company Ltd. P 2.

- Danaher, B., (1994). "Risk management an oil and gas industry perspective".

پتروشیمی در ایران"، پژوهشنامه بیمه، سال بیست و هفتم، شماره ۲، صص ۱۵۸-۱۳۵.

- ساکی زاده، مجتبی (۱۳۹۲)، "لزوم تعامل مؤثرتر بیمه با صنعت نفت و گاز"، ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۰۴

- سالنامه آماری صنعت بیمه (۱۳۹۶)، مدیریت طرح و برنامه، اداره بررسی های آماری، بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

- سلطانی مقیم، امیر، (۱۳۹۳)، "شرکتی های بیمه کپتو چه شرکت هایی هستند؟" ماهنامه خبری، تحلیلی پیام نوین، شماره ۶۲، تهران ۴۱.

- قاسمی، شمسی. یاوری، کاظم. محمودوند، رحیم سبحانی، بهرام. نعیمی، علیرضا، (۱۳۹۴)، "ارایه روشی جدید برای بررسی بیمه پذیری ریسکهای پالایشگاه گاز با استفاده از روش حالات خطا و تجزیه و تحلیل اثرات آن"، سیاست گذاری اقتصادی، شماره ۱۳، صص ۲۶-۱

- ملکی نژاد، امیر، (۱۳۹۶)، "امکان سنجی فقهی و اقتصادی پوشش ریسک های عملیاتی مربوط به میادین و چاه های نفت و گاز و ارائه ساختار مناسب بیمه ای"، پایان نامه دکتری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

- یوسفی احمد علی، (۱۳۸۹)، "بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه داری و اقتصاد اسلامی"، نشریه اقتصاد اسلامی، ش ۳۷.

- Barou, N. (1936). "Co-operative insurance London", P.S. King & Son Ltd., pp. 83-123

- Bickel J. E. & Bratvold, R. B. (2008). "From Uncertainty Quantification to

